

The Birth of the Myth of the Ideal Man in Epic Poems after the Martyrdom of Sardar Soleimani

Sedighe Alipoor 

Article Info

Article Type:

Research Article

Keywords:

*The Myth of the Ideal Man,
The Birth of a Hero,
Sardar Soleimani,
Epic Poem- Contemporary,
Iranian Lament.*

Submitted: 31 January 2024

Revised: 6 April 2024

Accepted: 13 May 2024

Published: 10 September 2024



ABSTRACT

Mythology is one of the prominent categories in the field of literary criticism. According to the opinions of some theorists such as Vico, myths are created by human minds. According to this theory, myth can be considered as one of human cultural productions. The space and social field of each historical period is the basis for the creation of the myths of that period and the literary works are the manifestation of the myths created by the people. Sardar Soleimani is an idealistic man who has been introduced as a myth by the contemporary society and accordingly, poets and writers have analyzed and described this idealistic myth in their works. This article tries to enumerate the salient features of Armanmard's myth, to analyze and examine the character of Sardar Soleimani with the method of analysis and description in the poems of his epic-elegy after his martyrdom. As the results of the research show, immortality, nationalism, upholding religious-moral values, extraordinary and connection with superhuman factors are the characteristics of Sardar Soleimani, as an idealist myth in contemporary poetry.

Cite This Article: Alipoor, S. (2024). The birth of the myth of the ideal man In epic poems after the martyrdom of Sardar Soleimani. *Journal of Haj Qassem Soleimani School*, 1(1), 1-12 [In Persian].

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman.

DOI: [10.22103/mhq.2024.22891.1009](https://doi.org/10.22103/mhq.2024.22891.1009)

©The Author(s)

تولّد اسطوره آرمان‌مرد در اشعار حماسی پس از شهادت سردار سلیمانی

صدیقه علیپور*

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

اسطوره‌شناسی یکی از مقوله‌های برجسته در حوزه نقد ادبی است. بر اساس آرای برخی از نظریه‌پردازانی چون ویکو، اسطوره‌ها برساخته ذهن انسان‌ها هستند. بنا بر این نظریه، اسطوره می‌تواند یکی از تولیدات فرهنگی بشر محسوب شود. فضا و میدان اجتماعی هر دوره تاریخی، بسترساز آفرینش اسطوره‌های خاص آن دوره است و آثار ادبی تجلی‌گاه اسطوره‌های برساخته مردم‌اند. سردار سلیمانی آرمان‌مردی است که جامعه معاصر او را به عنوان اسطوره معرفی کرده و به تبع آن شاعران و نویسندگان به تحلیل و توصیف این اسطوره آرمانی در آثارشان پرداخته‌اند. مقاله حاضر می‌کوشد با روش تحلیل و توصیف، ضمن برشمردن ویژگی‌های برجسته اسطوره آرمان‌مرد، شخصیت سردار سلیمانی را در اشعار حماسه-مرثیه پس از شهادت ایشان واکاوی و بررسی نماید. آن‌طور که از نتایج پژوهش بر می‌آید، نامیرایی، ملی‌گرایی، پاس‌داشت ارزش‌های دینی-اخلاقی، خارق‌العادگی و پیوند با عوامل مافوق بشری از ویژگی‌های سردار سلیمانی، به عنوان اسطوره آرمان‌مرد در شعر معاصر است.

کلیدواژه‌ها:

اسطوره آرمان‌مرد،

تولّد قهرمان،

سردار قاسم سلیمانی،

شعر حماسه-مرثیه معاصر ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۴

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۶/۲۰



استناد: علیپور، صدیقه (۱۴۰۳). تولّد اسطوره آرمان‌مرد در اشعار حماسی پس از شهادت سردار سلیمانی. مجله مکتب درس‌آموز حاج قاسم سلیمانی، (۱)، ۱-۱۲.

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان

DOI: 10.22103/mhq.2024.22891.1009

©The Author(s)

مقدمه

اسطوره‌شناسی یکی از شاخه‌های انسان‌شناسی فرهنگی است که از آغاز قرن هجده میلادی مورد توجه تاریخ‌نگاران و مردم‌شناسان قرار گرفت. نخستین کسانی که به اسطوره‌شناسی توجه کردند، برای روایات اساطیری ریشه تاریخی قائل بودند؛ اما در آغاز سده نوزده، جنبه‌های منطقی، ماوراءالطبیعی، اقتصادی، سیاسی، فیزیکی و جغرافیایی دوره باستانی نیز به اسطوره گره خورد (ملتینسکی^۱، ۵: ۲۰۰۰). ویکو فیلسوف و نظریه پرداز حوزه انسان‌شناسی معتقد است که ماهیت تاریخ و اسطوره، ساخته انسان است. اسطوره یکی از تولیدات فرهنگی ارزشمند انسان است که از روی حقایق طبیعی ساخته می‌شود. از نظر ویکو، اصل verum factum بر ساخت اسطوره‌ها حاکم است؛ «verum» یعنی آن چیزهایی که انسان از طبیعت به عنوان یک حقیقت، دریافت می‌کند و «factum» یعنی آن چیزهایی که خودش می‌سازد که البته از نظر ویکو هر دو یکی هستند (برگین و فیش^۲، ۱۹۶۸: ۲). نورتروپ فرای بر این باور است که اهمیت اسطوره‌ها در هنگام تحلیل محتوای یک اثر، بیش از هر چیز جامعه شناختی است (فرای، ۱۳۷۴: ۲۲۰) و بوردیو، جامعه‌شناس و مردم‌شناس فرانسوی، واقعیات اجتماعی را هم افسانه‌ای اجتماعی می‌داند که مبنایی به‌جز برساخته‌شدن اجتماعی ندارند و هم برای آن‌ها وجودی واقعی قائل است؛ از این حیث که به‌صورت جمعی به رسمیت شناخته شده‌اند (بوردیو، ۱۳۷۹: ۱۸۳-۱۸۲).

از نظر بوردیو وقتی جامعه در اوج مبارزه و وقایع تاریخ ساز خود واقع می‌گردد، شاعران و نویسندگان در آن حل می‌شوند و باز خورد این حل شدن، در میدان ادبی بروز پیدا می‌کند. در نتیجه، آن‌ها بر اساس ذائقه خود در یک ساختار اجتماعی و میدان ادبی خاص، به تولید اثر می‌پردازند و این امکان وجود دارد که مؤلفان با موقعیت‌های ساختاری مشترک به کنش مشترکی نیز برسند (رک: علیپور، ۲۰۱۲: ۲۲۷-۲۲۶). تولید شعر حماسی با برجسته‌سازی اسطوره‌ای تاریخی، با جان و جوهر جامعه انسان مدار آمیخته است و آن‌طور که روزبه اذغان داشته، شعری که برخاسته از میدان اجتماعی است، بر پایه فلسفه تکامل تاریخ شکل می‌گیرد و بیانگر آرمان‌های جمعی مردم است. در این قلمرو شاعر با هدف ارتقای بینش و ادراک توده‌های مردم، همگام و هم‌پیوند با عواطف و اندیشه‌های آنان به میدان می‌آید و می‌کوشد تا بازتاب صادق زمانه خود باشد (روزبه، ۱۳۸۹: ۸۵).

بیان مسأله

ساختارهای اجتماعی، رویدادها و گفت‌وگوها همواره بر میدان اجتماعی و تولیدات ادبی تأثیر می‌گذارند و در نتیجه ژانرها را به‌وجود می‌آورند. یکی از ژانرهای برجسته در میان تولیدات ادبی، ژانر حماسه است که در هر دوره‌ای تولیدات منحصر به‌فرد خود را به مخاطبان ارائه می‌کند. اسطوره‌پردازی، توند قهرمان و ستایش آرمان‌مردهای اسطوره‌ساز از ویژگی‌های این ژانر است. شهادت سردار سلیمانی که از طرفی با گفت‌وگو ملی ایران اسلامی توأم است و از طرفی دیگر، یکی از رویدادهای بزرگ در تاریخ ایران محسوب می‌شود، ذائقه بسیاری از شاعران معاصر را برای تولید اشعاری با ژانر حماسه برانگیخت. مسأله اصلی این مقاله، بررسی ویژگی‌های آرمان‌مرد اسطوره با توجه به شخصیت شهید سلیمانی، در شعر شاعران معاصر است. اشعار برگزیده برای نمونه خوانی و تحلیل، از منابع مکتوب و سایت‌های شعر اختصاصی حاج قاسم سلیمانی پس از شهادت او و سایت‌های دیگر استخراج شده است.

پیشینه تحقیق

در حوزه شهید سردار سلیمانی مقالات زیادی منتشر شده است. در خصوص جایگاه شهید سردار سلیمانی در ادبیات نیز مقالاتی نظیر: «سیمای شهید؛ حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در شعر پایداری (مطالعه موردی: شعر علی داوودی و حمید حلمی) از فرشته ملکی‌گونی و دیگران، نشریه کاوش نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۲، شماره ۱، ۱۴۰۱» و «عشق به وطن در ادبیات مقاومت با الگوپذیری از سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی از سعیده میرحقیق لنگرودی و فاطمه علی‌نژاد چمازکتنی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی ادبیات مقاومت» منتشر شده است؛ ولی در زمینه تحلیل اسطوره‌گی شهید سلیمانی تاکنون هیچ مقاله‌ای منتشر نشده و مقاله حاضر برای اولین بار این موضوع را در شعر معاصر ایران بررسی می‌کند.

¹ Meletinsky² Bergin & Fisch

تحلیل بحث

میان خواسته‌های ذهن بشر و رؤیاهای او رابطه نزدیکی برقرار است و به همین دلیل گاه می‌بینیم که آن‌ها آرمان‌های خود را به صورت یک اسطوره می‌آفریند و دوباره به خود تحویل می‌دهند تا جایی که در دیرش زمانی خلقت، آن اثر آفریده را فراموش کرده و جاودانگی وجودش را در باور خویش متمکن می‌سازند. در این راستا گاه آن چنان در چند و چون آفرینش خیال گود می‌شوند که شاخص‌های تاریخی را در هم آمیخته و اسطوره خویش را جذاب‌تر می‌نمایند. در همین راستا، شاعران که ذهنی آرمان‌خواه دارند می‌کوشند تا در شعر حماسی خود که بازگو کننده وقایع تلخ تاریخ آن‌هاست، آرمان‌مردی را بکاوند که مظهر جاودانگی و همچنین پهلوانی نجات‌بخش است؛ چنانکه دیوید کریستال می‌گوید: حماسه، شعر یا روایتی از جنگ و ماجراجویی‌های شخصیت‌های والایی است که برای زندگی مردم عادی و به ثمر نشاندن رؤیایا و آرزوهای بزرگ آن‌ها که دارای اهمیت ملی نیز هست، تلاش و زندگی می‌کنند (دیوید، ۲۰۰۰: ۳۸۵). شخصیت سردار سلیمانی چنین جایگاهی در شعر معاصر ایران دارد. در زیر ضمن نمونه خوانی اشعار، ویژگی‌های آرمان‌مردی این شخصیت حماسی، تحلیل خواهد شد.

تولد قهرمان اسطوره‌ای

نویسندگان و شاعران، هم ناقلان حافظ اسطوره‌های از پیش خوانده‌شده و هم اسطوره‌پردازان و خلق کنندگان قهرمانی‌اند که خود پیش خواننده رؤیاهای اسطوره‌ای پس‌آیند هستند. گویی آن‌ها به نحوی در تسخیر اسطوره‌هایی که روایت یا خلق می‌کنند، هستند. به تبع این موضوع، قهرمان‌های اسطوره‌ای در تاریخ ادبیات هر دوره‌ای متولد می‌شوند تا حماسه شور انگیز خود را بیافرینند. سردار سلیمانی قهرمان اسطوره‌ای شعر دوران معاصر ایران است. او آرمان‌مردی حماسی است که نه در شعر حماسی که از دل شعر مرثیه متولد شده است تا جاوید بماند:

هنوز مرثیه‌ها از حماسه لبریزند چکامه‌هایی از این دست، محتشم دارد
حماسه‌های بزرگ از ملال خالی نیست که عشق هم لحظاتی به نام غم دارد

(مهدی جهاندار: آیات غمزه)

یکی از اسطوره‌های اصیل که تقریباً در اغلب فرهنگ‌های کهن به شکلی موجود است، اسطوره زنده شدن ایزدی برای تولد دوباره جهان است؛ مثل اسطوره ایشتار (گری، ۱۳۷۸: ۳۶) در فرهنگ فینیقی‌ها (گتی، ۱۹۹۰: ۱۸). اینانا، در اسطوره‌های سومری (همان: ۱۷) و ایزد شهید شونده در فرهنگ ایران باستان که با اشک و سوگواری زیاد دوباره زنده می‌شود (بهار، ۱۳۷۶: ۲۶۹). مصداق این اسطوره در حماسه فردوسی در شخصیت رستم تجلی یافته است. در اشعار معاصر مورد بررسی، شخصیت سردار سلیمانی با شخصیت رستم درآمیخته است؛ گویی که قهرمان رستم با نام سردار سلیمانی دوباره تولد یافته و به جنگ اهریمن زمانه رفته است: درون شهر یکی گفت رستم آمده است / و دیگران همه گفتند آری آمده است / و نیز همراه او چند و چند مرد دگر / زریز و نوذر و گیو و کاوه آهنگر و کاوه‌های دگر / و پور سام و نریمان و هم‌رهان اکنون دوباره زنده شدند ...

(علی موسوی گرم‌رودی: ضیاء‌الصالحین)

ایران من! این رستم توست، در خون تپیده، رنج‌دیده

این کشته دور از وطن، آه، فرزند پاک زال و سام است

(حسن صنوبری: آیات غمزه)

تا بود تمام زخم‌ها مرهم داشت **انگار وطن دوباره یک رستم داشت**

پایان تمام افتخارات، اسمش او واژه‌ای از جنس شهادت کم داشت

(عبدالله موسوی صالحی: شهرستان ادب)

یا به طرز تشبیه عکس، شاعر، رستم را نماد هیبت سردار می‌داند و اذعان می‌دارد که در ستایش سردار، نوعی تازه در ادبیات با عنوان «سردارنامه» شکل گرفته که در آن، همه او را ستایش می‌کنند:

¹ David

² Getty

با این سخن، روح حماسی‌های تاریخ آشناست
در شاهنامه، ماجرای هر نبردش قصه‌ای است
رستم، نماد هیبت سردار ایرانی ماست
سردارنامه‌ها همه او را ستایش می‌کنند

(مهرداد نصرتی، ۱۴۰۰: ۱۹)

و گاه نیز سردار، یاد آور اسطوره آرش کمانگیر است:

با کمانی به دوش می‌آید بر تنش زخم سالیان مانده
آرش است و کنایه‌های مسیر، آرش است و ستیغ کوهستان

(شهره انجم شعاع: ضیاءالصالحین)

پیوند شخصیت سردار سلیمانی با شخصیت‌های اسطوره‌ای مذهبی؛ نظیر: امام علی (ع)، مالک اشتر، عمار، سلمان و غیره، گونه‌ای دیگر از تجلی تولّد دوباره قهرمان است:

در سینه تو گرمی احساس **علی** ست آیین تو، آیین گل یاس علی ست
ای غیرت ذوالفقار سرمایه تو! دست تو صدای دست **عباس** علی ست

ای نعره تو، نعره **عمار** علی‌ای جان و دلت مست و گرفتار علی
ای ذکر تو تا شب شهادت «**حیدر**» خوش باش! مبارک است دیدار علی!

(حمید حسینیان: شهرستان ادب)

به احترام کسی ایستاده‌ایم اینک که رستخیز به پا کرده در دل کشور
نفس نفس همه عمر مالک دل بود کسی که بود به هنگامه، **مالک اشتر**

(حمیدرضا برقی: آیات غمزه)

گیرم اینجا در احد سردارمان را کشته‌اند
من خودم دربست عبد و چاکر این خانام
انتقامی سخت در راه است ... خیر مانده است
مالک اشتر اگر هم نیست، قنبر مانده است

(شعر عمران بهروج: آیات غمزه)

اسطوره بی‌بدیل غیرت بودی خون در رگ ایثار و شهامت بودی
تاریخ، گواه جانفشانی‌هایت **سلمان معاصر!** یل امت بودی

(سارا قره‌تپه: شهرستان ادب)

آرمان‌مرد و نامیرایی

قهرمان حماسه در طول عمر حماسه زندگی می‌یابد. این تصویری از جاودانگی او به شمار می‌آید (مختاری، ۱۳۶۹: ۲۷۴). آن‌ها هرگز نمی‌میرند؛ چرا که در مرگشان نیز نوعی جاودانگی است؛ نه به‌عنوان یک شخص از آحاد ملت؛ بلکه به‌عنوان یک آرمان‌مرد و اسطوره جاودانی:

یک تکه جواهرید، نورید شما اسطوره غیرت و غرورید شما
رفتید اگر چه، زود برمی‌گردید زیرا که ذخیره ظهورید شما

(حسن رفیعی کشتلی: شهرستان ادب)

خواب دیدم که فرج آمده در دولت عشق باز فرمانده قدس است سلیمانی ما

(احمد خوانسالار: شهرستان ادب)

اسلامی ندوشن در کتاب زندگی و مرگ پهلوانان می‌گوید: «قهرمان نباید به همین راحتی بمیرد و این بر می‌گردد به جنبه «نمایندگی» وجود او (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۳: ۲۱-۱۷). گویی او همیشه مسئول است که در راه پاسداری از میثاق‌های اجتماعی گام بر دارد. این ویژگی در اشعار حماسی پس از شهادت سردار سلیمانی بسیار برجسته شده است:

یا علی گفت و دل به دریا زد چون شهادت کلید پرواز است
حاج قاسم دوباره ثابت کرد در این باغ همچنان باز است
موعد انتقام نزدیک است تند بادیم و غیرتی شده‌ایم
دشمن از ما به وحشت افتاده همگی بمب ساعتی شده‌ایم

(عباس احمدی: آیات غمزه)

جاودانگی سردار سلیمانی، در وجود صدها سلیمانی که هدف او را دنبال می‌کنند، تجلی یافته است:

افسوس که سردار سلیمانی رفت سردار سپاه قدس ایرانی رفت
دشمن به خیال خویش آسوده شده غافل که به جنگ صد سلیمانی رفت

(اصغر عاشوری: شهرستان ادب)

تاریخ ندیده همچو ایرانی‌ها خواهیم گرفت جان این جانی‌ها
نابودیشان به فضل حق نزدیک است می‌خیزد از این بیشه سلیمانی‌ها

(سیدمحمدرضا لاهیجی: شهرستان ادب)

چشمان خلیج فارس بارانی شد حال خزر از غمی پریشانی شد
از ساعت ابتدایی پر زدنش نقاش دل همه سلیمانی شد

(سید محمدرضا لاهیجی: شهرستان ادب)

پرسوخته مهمان خطر می‌گردیم درهاله ماه شعله‌ور می‌گردیم
ما شیعه حیدری اثنا عشریم هرچه بکشید زنده‌تر می‌گردیم

(حسین جعفری: شهرستان ادب)

سلیمانی‌ها متولد شده‌اند تا همه بدانند که سلیمانی هنوز زنده است و مبارزه‌اش با ظلم ادامه دارد:

خط خون نقطه پایان سلیمانی نیست بهراسید که این اول بسم الله است

(سید حمیدرضا برقی: جبهه مارکت)

به مورها برسانید از سپاه علی که نام یک‌یک سربازها سلیمان است

(سعید تاج‌محمدی: جبهه مارکت)

من ز لبخند شهیدان این چنین فهمیده‌ام دشمنان مورند... ما باید «سلیمانی» شویم

(حسین مؤدب: جبهه مارکت)

هرچند که زخم خورده پاییزیم از جام بهار تا ابد لبریزیم
همخون سیاوشیم و خونخواه حسین (ع) یک تن چو بیفتد همه برمی‌خیزیم

(پیمان سپهری: شهرستان ادب)

کاخ رؤیای تو با خاک یکی خواهد شد وقت لشکرکشی حاج سلیمانی‌هاست

(زهرا غلامزاده: شهرستان ادب)

ما مرد نبردیم و ز دشمن داریم خونخواهی قاسم سلیمانی را

باید که عدو دوباره احساس کند / سنگینی ضرب شست ایرانی را
(امین شیخ‌الاسلام: شهرستان ادب)

زخمیم که التیام خواهیم گرفت / موجیم که انسجام خواهیم گرفت
سردار به قطره قطره خونت سوگند / روزی سخت انتقام خواهیم گرفت

(حسن رفیعی کشتلی: شهرستان ادب)

در پاره‌ای موارد هم، با اتکا به آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹)، شهادت، رمز زنده ماندن و جاودانگی اوست:

باید اصلاً شهید می‌شد او / تا به مردانگی مثل باشد
و همیشه برای قاسم‌ها / مرگ شیرین‌تر از عسل باشد

(محمد کابلی: شهرستان ادب)

در هر حال وقتی راه سلیمانی زنده است، پس سلیمانی نیز زنده است:

پایان تو نیست غصه جانکاهت / تا صبح ظهور ادامه دارد راحت
فرمانده قلب‌های عاشق هستی / سرتاسر عالم است اردوگاهت

(علیرضا همتی فارسانی: شهرستان ادب)

می‌بینمت / که نشسته‌ای / کنار امام عصر / شانسه‌شانه ماه نجیب‌البنین / با آفتابی از دردهایی که ازلی‌ست / در نجوایی آمیخته با سلام و صلوات / در بی‌قراری لحظه‌هایی که سرشارند / از زیارتی عاشورایی / وعده می‌دهی / که به خونخواهی اهل حرم خواهی رفت.

(محمد حسین صفری: شهرستان ادب)

از طایفه سبز بهاری سردار / هرچند همیشه سربهداری سردار
از فلسفه شهادتت فهمیدم / بعد از مرگت ادامه داری سردار

(سمیه ایمانی: شهرستان ادب)

آرمان مرد و عوامل مافوق‌بشری

زرین کوب معتقد است: «کردار یک قهرمان باید مطابق با موجودی باشد که بالاتر از مردم عادی است. از این‌رو است که کار انسان‌های فوق‌العاده بیشتر از کار انسان‌های عادی محل توجه و مداخله خدایان غیبی واقع می‌شود (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۱۳۶-۱۳۷). در متن اشعاری که برای حاج قاسم سروده شده، عنایاتی خارج از عادت بشری دیده می‌شود؛ نظیر لشکر نامرئی سلیمان نبی؛ چنانکه در قرآن شریف توصیف شده است:

«وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» (نمل: ۱۷) و «حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (همان: ۱۸):

کجاست لشکر نامرئی‌ات؟ که قصه کند / که دیده آن سحری را که غم به روی تو نیست
(فاطمه شریف: شهرستان ادب)

تو سردار هزاران لشکر سلیمانی / شهیدان در نگاه تو نماز عشق می‌خوانند

(نغمه مستشار نظامی: آیات غمزه)

او در جایگاهی قدسی، به‌عنوان وعده قرآنی و جلوه‌گاه ربّانی تصویر می‌شود و آیه شهادت با شهادت او کامل می‌گردد:

می‌توان دید دگر وعده قرآنی را / خیل «من ینتظر» و جلوه ربّانی را
(سیدمرتضی موسوی: شهرستان ادب)

غزل آریه‌ای کم داشت بی تو جهان سرمایه‌ای کم داشت بی تو
به دست بر زمین افتاده سوگند شهادت آیه‌ای کم داشت بی تو
(سمیه تورجی: شهرستان ادب)

روح خدا در وجودش جریان دارد و نفسش مسیحایی است:
دم روح خدا آن سان وجودت را مسیحا کرد که بالیدند بر دستت کبوترهای بسیاری
(شعر علی محمد مؤدب: آیات غمزه)

عجاز او به ققنوس اسطوره‌ای پیوند خورده است؛ چنانکه در هنگام شهادت چون ققنوس به پرواز درمی‌آید:
مثل ققنوس به پرواز در آمد جانت چشممان روشن از اعجاز فراوان شدنت
(مریم سقلاطونی: آیات غمزه)

تا که خاکستر فتنه، به حریران باقی است خون ققنوس به پیراهن ایران باقی است
(محمدحسن اسفندیارپور، ۱۴۰۰: ۲۲)

آسمانیان به جایگاهش غبطه می‌خورند:
چگونه تو تکثیر می‌شوی در خاک که کرده غمت تن زمین صد چاک
چه بود عروجت از زمین به فلک که به آدم غبطه خورد حور و ملک
(علیرضا همتی فارسانی: شهرستان ادب)

در هنگام شهادت ملائکه او را تشییع می‌کنند و او به عرش اعلا معراج می‌کند:
پر کشیدی جمعه‌ای از پیش چشم فرشیان این عروج سرخ تو پیچید بین عرشیان
در میان عاشقان سردار پر آوازه‌ای عرش اعلا رفته‌ای بر تو مبارک پرنیان
(افسانه رفیعی نظری: شهرستان ادب)

هر میوه که افتاده شود چیدنی است از جام بلا غم تو نوشیدنی است
یک شهر شده منتظرت برگردی تشییع تو با ملائکه دیدنی است
(حسین جعفری: شهرستان ادب)

آرمان‌مرد و خارق‌العادگی

خرق عادت از عمده‌ترین ویژگی‌های اسطوره‌هاست. خارق‌العاده‌بودن قهرمانان اسطوره‌ای و اعمالشان، سلاح اصلی نبردهای نمایندگان خیر و شر است (علیزاده و دستمالچی، ۱۳۹۱: ۱۲۶). شخصیت‌های قهرمان در حماسه، اصولاً به‌خاطر غرابت کارهایشان به‌عنوان شخصیت‌های آرمانی تجسم می‌شوند و ظهور می‌یابند؛ گاهی نیز در تاریخی دیگر زنده می‌شوند تا بر جامعه خود تأثیر بگذارند. رستگار فسایی باور دارد که پهلوانان اساطیری، نه تنها حامی، محافظ و قوت قلب یک ملتند؛ بلکه خالق نظم نو بنیاد و مطلوب برای جامعه‌ای هستند که عمیقاً با آن‌ها همگام است. همین امر باعث می‌شود پهلوان و داستان‌هایش که نمایانگر آرزوهای ملی و افتخارآفرین راویان و ناقلان است، همواره؛ همچون زنده‌ای بر سر زبان‌ها باقی بماند (رستگار فسایی، ۱۳۶۹: ۲۴۱). بدین ترتیب، شاعران معاصر جوان به دلیل روحیه آرمان‌خواه خود می‌کوشند تا اکنون در تاریخی دیگر و با توجه به ضرورت روحی-روانی جامعه خود، اسطوره آرمان‌مرد را در شعرشان متبلور می‌سازند.

در اشعار مورد مطالعه، نه تنها سردار به‌عنوان یک اسطوره که نامش ستون عزت کشور و مایه شکوه ایران است:
نام قاسم چون ستون عزت این کشور است نام سرداری که در قلب زمان جامانده است
(زهره میریان کریمی: شهرستان ادب)

معنای حقیقت مسلمانی بود

تصویرگر شکوه ایرانی بود

پرواز در آغوش شهادت بی‌شک / زینبده قاسم سلیمانی بود

(عاطفه قاسمی: شهرستان ادب)

دل او مثل شیر است و شجاعتش بر زبان‌ها مثل شده است:

دل شیران، به تو بخشید، خداوند تو، ای مرد! / کم در این عصر، جهان دید، همانند تو، ای مرد!

(قاسم صرافان: ضیاءالصالحین)

در شجاعت نام تو ضرب‌المثل / نوش جانت شهد اُحلی من عسل

(حسن لملیکی‌زاده: شهرستان ادب)

در واقع او یلی است که به نام قاسم سلیمانی شهرت یافته و شیری است که بر روی زور شمشیر کشیده:

چهل شب است که دریای چشَم، بارانی است / چقدر جای نگاهش، پُر از پریشانیست

چهل شب است که دیگر میان مردم نیست / یلی که شُهرتِ او قاسم سلیمانیست

(سمیه تورجی: شهرستان ادب)

مردی که پای زر زنجیر زدن داند / شیری که به روی زور شمشیر زدن داند

(محمدعلی مجاهدی: ضیاءالصالحین)

او به‌گونه‌ای فرّه ایزدی دارد؛ چرا که خون خدا در وجودش می‌خروشد:

کسی که لرزه بر اندام شب‌ضمیران است / شباهتی به شهیدان صبحدم دارد

خروش خون خدا قاسم سلیمانی ست / که تا ابد سر پیکار با ستم دارد

(مه‌دی جهاندار: آیات غمزه)

او دماوند در ظاهری انسانی و همچون قلّه‌های سرکش الوند است:

سلام بر تو / سلام بر امام تو / سلام بر خدای تو / سلام بر قبله و نماز و تسبیح و سجاده‌ای که از تو است / سلام بر / چشم‌های به

باران نشست‌ات / سلام ای سردار / ای دماوندی که سال‌هاست به هیأت انسان درآمده است.

(محمدحسین صفری: شهرستان ادب)

تو را می‌بینم ای نستوه! ای بشکوه! ای چون کوه! / به یادم قلّه‌های سرکش الوند می‌آید

(حامد حسین‌خانی، ۱۴۰۰: ۱۶)

خارق‌العادگی او در هنگام شهادتش نیز اسطوره بودنش را ثابت می‌کند:

آری از اسطوره می‌گویند در افسانه‌ها / ما به چشم خویش دیدیم آنچه می‌گویند

دید چشم آسمان روی لب پر خونت / بین آغوش شهیدان آخرین لبخند را

(سیدمحمد جواد شرافت)

او قهرمانی اسطوره‌ای است که برای جنگ با اهریمن متولّد شده است:

درون شهر یکی گفت رستم آمده است / و دیگران ...

ز جنگ اهرمن آن زمانه فرسودند / به جنگ اهرمن این زمانه آمده‌اند

(علی موسوی گرمارودی: ضیاءالصالحین)

او با شب‌پرستان و شب‌ضمیران در پیکار بوده و بر اندام آن‌ها لرزه می‌اندازد:

کسی که لرزه بر اندام شب‌ضمیران است / شباهتی به شهیدان صبحدم دارد

(مه‌دی جهاندار: آیات غمزه)

بوسه بر انگشترت زد ماه، ای خورشید عشق!
می‌کشد آینه از دل، آه، ای خورشید عشق!
روشن از خون تو گردیده‌ست آفاق حیات
شب‌پرستان نیستند آگاه، ای خورشید عشق!
(حسن یعقوبی: شهرستان ادب)

شیطان دشمن دیگر اوست که از هیبت سردار به خود می‌لرزد:
ای قاسم جبارین / سرلشکر میدان‌ها
از نام تو می‌افتد / صد لرزه به شیطان‌ها...

(زهرا میریان کرمی: شهرستان ادب)

چطور ربودی ز چشم دشمن خواب
که کرد همه نقشه‌هایشان بر آب
تو کوه پر کشیدی و جام دل بردی
بگو تو شیطان، بگو زمین خوردی
(عاطفه قاسمی: شهرستان ادب)

او همچون کوه آهنینی است که بر زمین افتادنش (شهادتش) نیز، بر اندام کاخ ظالمین لرزه می‌اندازد:
کوه آهن بر زمین افتاده، یاران کائن چنین
لرزه بر اندام کاخ ظالمین افتاده است
(سعید بیابانکی، ۱۴۰۰: ۱۵)

شیر نرفته و این قهقهه گفتاران
بانگ عجز است، بلی! خنده پیروزی نیست
(محمد رضا بازرگانی: ضیاء الصالحین)

آرمان‌مرد و ارزش‌های اخلاقی

مصباح یزدی معتقد است، از آنجا که ارزش‌ها با واقعیت‌ها مرتبط‌اند، کسی که دارای ارزش اخلاقی مثبت باشد از نظر تکوینی نیز دارای کمال بیشتری است (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۳۷۹). ارزش‌های اخلاقی مسلماً موجب ارتقای ارزش انسانی است؛ چنانکه دینانینیز بیان می‌کند: «در خزانه حق تبارک و تعالی جوهری گران‌بهارتر و موجودی زیباتر از آنچه به‌عنوان امانت به انسان اهداء شده، یافت نمی‌گردد. این جوهر جز لطیفهٔ سیار و تطوّرپذیر انسانیت چیز دیگری نیست. لطیفهٔ انسانیت گوهری است که همواره برای خروج از هر گونه حدّ و قید و وصول به عالم اخلاق آماده است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۹: ۴۶۹).

ارزش‌های اخلاقی در حماسه‌ها از طریق قرینه‌های اسطوره‌ای شرح و توصیف می‌شوند (سلتون و روستین^۱، ۱۹۹۱: ۹۴). نیروی ایمان در آرمان‌مردها نقش بسزایی دارد. قهرمان به خدایان مربوط است و با آن‌ها سخن می‌گوید. وقتی می‌خواهد به درگاه معبود خود روی آورد؛ پس از رعایت ظاهر، باید تمام حواس را متوجه حی لایموت بنماید و با قلب خود به سوی یزدان روی آورد. با متانت و خضوع و خشوع دست بلند کند و پس از ستودن «آن برتر از جان پاک»، نیازهای خود را مطرح نماید. دعا و نیایش تجلّی روحی است که از نیازهای مادی به نیازهای برتری روی دارد. سردار سلیمانی در شعر معاصر به‌عنوان اسوه پایمردی، ایثار و مدافع شناخته شده است:

او اسوه پایمردی و ایثار است
او در صف عاشقان پرچمدار است
مردی که جنون جنگ را تجربه کرد
سردار سلیمانی بی‌تکرار است
(امین رحیمی: شهرستان ادب)

تو مدافع، تو مسافر، تو فدایی، تو دلاور
تو علمداری و سرداری و دلداری و دلبر
(قاسم صرافان: ضیاء الصالحین)

او مجاهد راه حق است که نیایش پروردگار را در همه حال به جای می‌آورد؛ حتی هنگام مجاهده. از اینرو شاعر به او با اعتقادی قاطع، سلامی صادقانه و ابدی نثار می‌کند:

¹ Clyton and Rothstein

السّلام علی مجاهد حق السّلام علی غبار تنت
السّلام علی شب معراج والسّلام علی نماز شبت

(مرجان اکبرزاد: شهرستان ادب)

موسیقی چشم او با قافیه می‌جوشید آهنگ مناجاتش در ادعیه می‌جوشید

(محمدعلی مجاهدی: ضیاءالصالحین)

با همه صعب و سختی، انسانی صمیمی و زلال چون آب معرفی می‌شود:

چنین بود که به هر دیده بر تو می‌نگرم / تو صعب و سخت و بلندی / چو صحرای سترگ... / تویی زلال‌تر از چشمه‌های اندیشه، درون
دامنه دره نهان خیالم / تویی چو خواب کبوتر به بادگیر غرور، هزار مرتبه نازک / هزار بار صمیم / پرنده گونه‌تر از پرنیان مهتابی / تو
چون آبی / امیر عرصه دل‌های سلیمانی...

(علی موسوی گرمارودی: ضیاءالصالحین)

چشمان مهربانش گرم و نافذ بر دل‌هاست و جغرافیای چشمانش مرز نور معرفت است:
مثل چشمانش که در دل‌ها نفوذی ژرف داشت خون او گیراست بسم الله الرحمن الرحیم..

(فاطمه عارف نژاد: آیات غمزه)

او که جغرافیای چشمانش مرز نور است مرز آگاهی ست
مگر از یاد می‌برد تاریخ روشنای دمیدن او را؟

(میتراسادات دهقانی: ضیاءالصالحین)

کرم، مردم‌داری و دوستی همه هموطنان سیرت اوست:

می‌گفت: کرم، سیره پیغمبر ماست می‌گفت که: مردم‌داری، باور ماست
یادت نرود که «حاج‌قاسم» می‌گفت: «آن دختر کم‌حجاب هم، دختر ماست»

(مجتبی احمدی: آیات غمزه)

او به‌عنوان یتیم‌نوازی معرفی می‌شود که همه مسلمانان، فرزندان او هستند و دل‌گیر نشینان به او استوار است:

یک شال عزا به هر مسلمان بدهید بوی خوش او را به گلستان بدهید
بابای تمامی یتیمان بود او انگشتری‌اش را به یتیمان بدهید

(مریم قاسمی‌زادگان: شهرستان ادب)

آشنای غم دهاتی‌هاست دل صدها کپر به او قرص است
نام او جاری است از ارونند، نام او جاری است تا جولان

(شهره انجم شعاع: ضیاءالصالحین)

نتیجه‌گیری

تاریخ، همواره شاهد ساخته‌شدن جامعه‌های انسانی با رؤیاهای برخاسته از ذهن و وجود آن‌ها بوده است. مردم هر دوره با توجه به وضعیت و آرمان‌های خود به خلق اسطوره روی آورده‌اند. یکی از این اسطوره‌ها، اسطوره آرمان‌مرد است که به عنوان پهلوانی نجات‌بخش شناخته می‌شود و مظهر جاودانگی است؛ شخصیت والای ملی که نوید بخش تحقق آرمان‌های مردم است و برای به ثمر رساندن رؤیاهای بزرگ آن‌ها تلاش و نبرد می‌کند. از این‌رو اسطوره‌ها جنبه‌ای کاملاً جامعه‌شناسانه دارند و تحلیل و تبیین آن‌ها نیز به ساختارهای اجتماعی بستگی دارد. انقلاب اسلامی ایران، هشت سال دفاع مقدس و رویدادهای پس از آن، بر میدان اجتماعی ایران تأثیر عمیقی گذاشت تا جایی که ذهن و بینش مردم و به تبع آن ذهن و بینش شاعران و نویسندگان را به خود مشغول داشت. مردم در فضای اجتماعی حاصل

از این رویدادها به گفتمان اسطوره‌ای روی آوردند و آرمان‌های خود را در قالب اسطوره‌ای نجات بخش جستجو کردند. بدین ترتیب، سرداران بزرگ ایران، از دل رویدادهای تاریخی - اجتماعی به اسطوره‌های مردم راه یافتند.

شهادت سردار سلیمانی که از طرفی با گفتمان ملی ایران اسلامی توأم است و از طرفی دیگر، یکی از رویدادهای بزرگ تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود، ذائقه بسیاری از شاعران معاصر را برای تولید اشعاری با ژانر توأمان حماسه - مرثیه برانگیخت. ژانر حماسه همواره با اسطوره‌پردازی، تولد قهرمان و ستایش آرمان‌مردهای اسطوره‌ساز همراه بوده است؛ لذا با این بینش، شخصیت سردار سلیمانی به‌عنوان آرمان‌مرد اسطوره‌ای با شاخصه انسانی - الهی و ملی، در دل مرثیه‌های حماسی شاعران ایران نقش گرفت. آن‌طور که از اشعار بر می‌آید، در واقع او یلی است که در دل مردم عصر خود تولد یافته؛ فره ایزدی دارد و برای نجات مردمانش از دست شیطان، با شب‌پرستان و شب‌ضمیران جنگیده است. مؤلفه‌هایی که او را به‌عنوان یک اسطوره آرمان‌مرد در شعر معاصر تجلی‌داده، نامیرایی، ملی‌گرایی، سلحشوری، پاسداشت ارزش‌های دینی و اخلاقی، خارق‌العادگی و قداست و پیوند با عوامل مافوق بشری است.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه شهید باهنر کرمان به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری

می‌شود.

منابع

قرآن کریم

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۹). شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی. تهران، حکمت، پنجم. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۶۳). زندگی و مرگ پهلوانان. تهران، توس. بوردیو، پی پرو (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی و ادبیات، آموزش عاطفی فلوربر. ترجمه یوسف اباذری، ارغنون، شماره ۹ و ۱۰. بهار، مهرداد (۱۳۷۶). از اسطوره تا تاریخ، تهران. چشمه. رستگار فسایی، منصور (۱۳۶۹). روایتی دیگر در مرگ رستم. فرهنگ، کتاب هفتم. روزبه، محمدرضا (۱۳۸۹). ادبیات معاصر ایران (شعر). چاپ پنجم، تهران، نشر روزگار. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲). شعر بی دروغ، شعر بی نقاب. چاپ هفتم، تهران، علمی. علیپور، صدیقه (پوران) (۲۰۱۲). تحلیل ساختار اجتماعی منش، میدان، کنش در تولیدات ادبی، (نقدی تطبیقی بر شعر «خوان هشتم و آدمک (۲)» اخوان ثالث و «شهر سندباد» بدر شاکر السیاب). مجله‌الدراسات الادبیة، صیف، خریف و شتا، العدد ۲ و ۳ و ۴، صص ۲۵۰-۲۲۱. عزیزاده، ناصر و دستمالچی، ویدا (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی خرق عادت در ادبیات عرفانی وسوررئالیستی. مجله ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی، ۷۱، ۲۱۱-۲۴۳. https://perlit.tabrizu.ac.ir/article_994.html
- فرای، نورتروپ (۱۳۷۴). ادبیات و اسطوره: مجموعه مقالات اسطوره و رمز. ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش. گری، جان (۱۳۷۸). اساطیر خاور نزدیک. ترجمه باجلان فرخی، تهران، اساطیر. مختاری، محمد (۱۳۶۹). اسطوره زال؛ تبلور تضاد و وحدت در حماسه ملی، تهران، آگه. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۷). معارف قرآن. قم، مؤسسه در راه حق. منتظری، مهدی (۱۴۰۰). چکامه خونین عشق: گزیده اشعار شاعران در خصوص سردار دل‌ها شهید حاج قاسم سلیمانی. کرمان: امید کویر.

References

- Bergin, T.G., & Fisch, M.H. (1968). The new science. Ithaca and London: Cornell university press.
- David, C. (2000). Cambridge Encyclopedia. 4 Ed., Cambridge university press.

- Getty, A. (1990). Goddess mother of living nature. London, Thames and Hudson LTD, <https://www.amazon.com/Goddess-Mother-Living-Nature-Imagination/dp/0500810338>.
- Clyton, J., & Rothstein, E. (eds). (1991). Influence and Intertextuality in Literary History. University of Wisconsin press, <https://www.amazon.com/Influence-Intertextuality-Literary-History-Clayton/dp/0299130347>.
- Meletinsky, E.M. (2000). The poetics of myth. Newyork, London: Routledge, https://www.routledge.com/The-Poetics-of-Myth/Meletinsky/p/book/9780415928984?srsId=AfmBOoN8eVOMw2oi_f7Q8qwQRul6G5reSqTpxKKxwMZhTz6NxYICZMS.

سایت‌ها:

<https://ayateghamzeh.ir>

<https://jebhemarket.ir> (pdf)

<https://shahrestanadab.com>

<https://ziaossalehin.ir>

ولادة الأسطورة المثالية في القصائد الملحمية بعد استشهاد سردار سلجاني

صديقه عليپور*

معلومات المادة	خلاصة
نوع المقال: مقال بحثي	تعتبر الأساطير من الفئات البارزة في مجال النقد الأدبي وبحسب آراء بعض المنظرين مثل فيكو، فإن الأساطير هي من صنع العقول البشرية ووفقاً لهذه النظرية يمكن اعتبار الأسطورة أحد الإنتاجات الثقافية الإنسانية إن المجال المكاني والاجتماعي لكل فترة تاريخية هو الأساس في خلق أساطير تلك الفترة، والأعمال الأدبية هي مظهر من مظاهر الأساطير التي خلقها الناس سردار سلجاني هو شخص مثالي قدمه المجتمع المعاصر كأسطورة، وبناء على ذلك، قام الشعراء والكتاب بتحليل ووصف هذه الأسطورة المثالية في أعمالهم يحاول هذا المقال تحليل وتحليل شخصية سردار سلجاني في قصائد المرثية بعد استشهاد، مع تعداد أبرز ملامح أسطورة المثالي، مستخدماً منهج التحليل والوصف وكما يتبين من نتائج البحث، فإن الخلود والقومية وإعلاء القيم الدينية والأخلاقية والاستثنائية والارتباط بالعوامل فوق البشرية هي سمات سردار سلجاني، باعتباره أسطورة مثالية في الشعر المعاصر.
الكلمات الرئيسية: أسطورة المثالي، ولادة البطل، سردار قاسم سلجاني، الشعر الملحمي - مرثاة إيران المعاصرة.	
تاريخ الاستلام: ١٩ رجب ١٤٤٥ تاريخ المراجعة: ٢٦ رمضان ١٤٤٥ تاريخ القبول: ٤ ذوالقعدة ١٤٤٥ تاريخ النشر على الإنترنت: ٦ ربيع الأول ١٤٤٦	
	

إقتباس: عليپور، صديقه (١٤٠٣). ولادة الأسطورة المثالية في القصائد الملحمية بعد استشهاد سردار سلجاني. مجلة مدرسة الحاج قاسم سلجاني التعليمية، (١)، ١-١٢.

الناشر: جامعة الشهيد باهنر كرمان

DOI: 10.22103/mhq.2024.22891.1009

©The Author(s)